

فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی
سال بیست و یکم، شماره ۵۴، بهار ۱۳۹۲، صفحات ۲۳۰-۲۰۱

بررسی دیدگاه غربی و رویکرد اسلامی به ارتکاز ذهنی از ماهیت پول و اعتبار

محمدمهدی مجاهدی مؤخر

استادیار اقتصاد بازارگانی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

m_mojahedi2004@yahoo.com

رحیم دلایی اصفهانی

دانشیار اقتصاد دانشگاه اصفهان

rateofinterest@yahoo.com

سعید صمدی

دانشیار اقتصاد دانشگاه اصفهان

samadi_sa@yahoo.com

رسول بخشی

دانشیار اقتصاد دانشگاه یزد

rbakhshi@yazduni.ac.ir

ماهیت‌های وجودی قابل تصور در دنیای پیرامون یا عینی یا ذهنی با منشأ عینی هستند. در این میان، برخی پدیده‌ها نه در جهان خارج حضور فیزیکی دارند و نه در زوایای ذهنی ارتکاز می‌شوند، بلکه آنچه هست جعل یک واقعیت بیرونی یا ذهنی است. پول به عنوان یک ابتكار بشری برای سهولت در مبادلات اقتصادی می‌تواند ماهیتی عینی به شکل کالایی یا کاغذی بدون هیچ ارزش ذاتی و صرفاً امری فواردادی باشد. همچنین، به شکل جعلی در خلق اعتبار از هیچ امکان وجود دارد. آنچه در این مقاله به آن پرداخته شده است، مقایسه آراء و نظریات اندیشمندان غربی و اسلامی در خصوص ماهیت ارتکازی از پول و اعتبار است. این مقاله نتیجه می‌گیرد که نوع نگاه غربی به مفهوم پول با تأکید بر کارکرد پولی و نگاه اسلامی به ماهیت و چستی پول به تابعیت متصاد منجر می‌شود. توجه به فراگرد بازگشته از ماهیت ذهنی و جعلی پول به امور واقعی و حقیقی هر چند در دو دیدگاه اشتراکاتی دارد، اما شیوه نگرش به چیستی یا کارکرد پول عملاً نوع ورود به مفهوم پول و اعتبار را مغایرت می‌سازد.

طبقه‌بندی JEL: E42, E51, E59, D91

واژه‌های کلیدی: پول، ماهیت پول، اعتبار، بانک، خلق پول از هیچ.

۱. مقدمه

پدیده‌ها و ماهیت‌های قابل تصور در دنیای مادی پیرامون یا عینی و مشهودند یا تنها در زوایای ذهنی رسوخ می‌کنند و گاهی نیز نه مشاهده‌ای عینی است و نه مقوله‌ای ذهنی بلکه هرچه هست جعل یک حقیقت عینی یا ارتکاز^۱ ذهنی است.

یک پدیده ممکن است ماهیتی عینی داشته باشد، به گونه‌ای که تصویر یکسانی از پدیده‌های مادی پیرامون در ذهن نقش بیند، به طوری که علم به وجود پدیده‌ای عینی علمی حضوری است و وجود علمی و وجود عینی یک شء بر هم منطبق است. در مقابل، یک ماهیت وجودی می‌تواند ذهنی و انتزاعی باشد. در این راستا، ممکن است ذهن در مقدمات تفکر خود بر مفاهیم عینی و مشهود نیز تکیه کند و مفاهیم انتزاعی خود را گسترش دهد. مفاهیم چه مقدمات عقلی محض داشته باشد و چه بر یافته‌های مشهود تکیه کنند در مسیر شکل‌گیری و تکمیل یافته‌های ذهنی بهدلیل ماهیت غیرمشهودشان الزاماً تصویر یکسانی از مقوله ذهنی در تمام اذهان ایجاد نمی‌کند. در این میان، برخی از امور نیز در مسیر ابداعات بشری در ذهن افراد رسوخ نموده است که نه در جهان خارج حضور فیزیکی دارد و نه در زوایای ذهنی ارتکاز می‌شود، بلکه هر آنچه هست جعل و قلب یک حقیقت مشهود یا یک مفهوم ذهنی مورد اتفاق همگان است. بدیهی است یک پدیده جعلی برای مقبولیت و پذیرش باید بر یک امر مشهود یا مفهوم ذهنی اتصف شده بر یک امر عینی تکه نماید. در عین حال، رسوخ مفاهیم ذهنی بهویژه جعلی در اذهان اقسام جامعه بهدلیل عدم یکسانی ارتکاز ماهیت آن می‌تواند موجب سوءاستفاده‌های بی‌شمار شود.

پول به عنوان یک قرارداد اجتماعی چه به صورت پول کالایی و فلزی و چه به صورت پول رسمی بدون پشتوانه یا اعتبار بانکی در دایره تصورات افراد جامعه جای می‌گیرد، اما قرارداد نمودن پول کالایی بهدلیل ماهیت عینی و ملموس آن تصویر یکسانی در ذهن تمام آحاد جامعه ایجاد می‌کند، به گونه‌ای که به خوبی پول مشوش و تقلیبی از پول فلزی رایج تمیز داده شده و به طور خودکار پول تقلیبی از چرخه اقتصادی کنار می‌رود، در حالی که پول کاغذی بدون پشتوانه به اعتبار ارزش قرارداد شده روی اسکناس به عنوان ماهیت ذهنی به مثابه یک اتصف حقیقی از پول فلزی ذاتاً دارای ارزش پذیرفته می‌شود. در این میان، بانکداری ذخیره جزئی با جذب منابع سپرده‌های به صورت پول کاغذی و تنها نگهداری کسری از وجود سپرده‌گذاران به صورت نقد در کنار تعهد پرداخت عندالمطالبه وجود سپرده‌گذاران اینگونه القا می‌کند که وجود تمام سپرده‌گذاران در بانک است، در حالی که این نوع تلقی در ذهن

۱. ارتکاز در لغت به معنای رسوخ یک مفهوم در ذهن است.

سپرده‌گذاران یک جعل واقعیت ذهنی از پول کاغذی قرارداد شده است. در این رابطه دو مسئله حائز اهمیت است، نخست اینکه انسان در تصور و تحلیل پدیده‌های پیرامونی خود در پی شناخت حقیقت و ماهیت و صورت معقول پدیده‌ها است و پدیده‌ای مانند پول نیز از این قاعده مستثنی نیست. چنانچه پول به عنوان کالای عینی مورد پذیرش قرار گیرد کارکردی خود کار مناسب با ارزش ذاتی و اعتباری آن دارد، در حالی که تصور ذهنی از یک ماهیت قراردادی تنها تعریف ذهنی را از آن پدیده مسموع خواهد ساخت و در نهایت ذهن این ارتکاز را بهمنزله یک اتصاف حقیقی می‌پذیرد اما در عمل وجود خارجی ندارد. دیگر اینکه ارتکازات ذهنی حداقل در حوزه اقتصادی از یک منشأ حقیقی و عینی سرچشمه می‌گیرد، اما در مسیر زمان ابتکارات دامنه شمول آن را از منظر مصادیق عینی خارج می‌سازد و به مرزهای ذهنی و حتی جعلی می‌کشاند، اما این اصل وجود دارد که ماهیت‌هایی که واقعی است یا ذهنی یا جعلیاتی که نه عین است و نه ذهنی (بلکه جعل است) برای مقبولیت میان تمام افراد جامعه ضرورتاً می‌بایست به یک منشأ عینی تکیه کنند. در غیر اینصورت امکان مقبولیت میان عame مردم را نخواهد داشت.

آنچه در ادامه مقاله به آن پرداخته می‌شود نقش ماهیت پولی در دامنه ارتکاز عینی تا انتزاع ذهنی و جعلی در بیان اندیشه و دیدگاه اندیشمندان غربی و رویکرد اسلامی است. در این میان، به بیان دیدگاه‌های مختلف فکری غرب به ماهیت و کارکرد پول پرداخته می‌شود و در این رابطه نگرش اسلامی در برخورد با این مسئله با الگوی غربی مقایسه می‌گردد.

۲. کارکرد پول کاغذی و اعتبار با Toolkit بهمنزله ماهیت ذهنی و جعلی پول

۲-۱. ورود پول کاغذی در چرخه مبادلات اقتصادی

فرض می‌شود دولت به سیاست مالی بهمنزله یک سیاست پولی می‌نگرد، به طوری که نیاز جامعه از پول نقد به منزله افزایش بودجه دولت است. بر این مبنای دولت در حوزه اقتصاد با انجام مخارج (G) و تأمین آن از طریق انتشار پول رسمی بدون پشتونه^۱ اعمال حاکمیت می‌کند و جامعه با الزام قانونی این پول را بهمنزله اتصاف حقیقی از پول کالایی ارتکاز نموده و در مبادلات اقتصادی استفاده می‌نماید، به طوری که:

$$G_t = M_t \quad (1)$$

1. Fiat Money

همچنین، چنین کارکردی از پول کاغذی به مفهوم سهولت در مبادلات و کارایی تخصیصی مترتب بر آن است (ساموئلсон، ۱۹۵۸). فرض می‌شود حجم پول کاغذی بر اساس اندازه جمعیت و رشد آن تعیین می‌گردد. در این راستا، چنانچه رشد جمعیت با نرخ n رشد کند رشد پولی متناسب با رشد جمعیت تعیین خواهد شد، به طوری که با استفاده از رابطه (۱) می‌توان نتیجه گرفت:

$$G_{t+1} = M_{t+1} \quad (2)$$

$$M_{t+1} = M_t (1 + g) \quad (3)$$

$$n = g \quad (4)$$

۲-۳. رفتار بانکداری اصل ذخیره جزئی در خلق اعتبار بانکی
 نهاد بانک شامل X بانک تجاری است که بر اساس روش ذخیره جزئی فعالیت می‌کند. بانک در چارچوب سازوکار اصل ذخیره جزئی افراد جامعه را به سپرده‌گذاری وجوده در اختیارشان تشویق می‌کند. بر این مبنای نهاد بانک وجوده نقد سپرده‌گذاران (به صورت پول کاغذی) را به صورت حساب دیداری یا حساب سپرده مدت‌دار اخذ و ضمن ارائه خدمات بانکداری رایگان به تمام مشتریان به سپرده‌گذاران مدت‌دار در سراسید بهره پرداخت می‌کند. همچنین، به سپرده‌گذاران عندالمطالبه تعهد پرداخت اصل وجه سپرده‌گذاری شده را می‌دهد. بانک از محل سرمایه نقدی و از طریق بخشی از وجوده سپرده‌گذاری شده وام اعطاء می‌کند (مجاهدی مؤخر و همکاران، ۱۳۹۰).^۱

فرضت اعطاء وام و اخذ بهره از وجوده که در اختیار بانک است، اما تحت تملک بانک قرار ندارد بانک را ملزم می‌کند که ضریبی از مانده وجوده سپرده‌گذاران را در بانک به صورت نقد نگهداری کند تا این تضمین به سپرده‌گذاران داده شود که پول آنان در بانک محفوظ است، در حالی که بخش عمده‌ای از این وجوده توسط بانک یا وام داده شده یا صرف تأمین مالی در یک فعالیت سودآور شده است. در این رابطه، چنانچه ۸ سهمی از سپرده‌های دیداری از کل سپرده‌های دیداری (D_D) باشد که وجه آن به صورت نقد (aM) نزد بانک نگهداری می‌شود و ۱۱ سهمی از سپرده‌های غیردیداری به کل سپرده‌های غیردیداری (D_T) تعریف شود که به صورت نقد (bM) نگهداری شده است و کل وجوده اعم

۱. در این رابطه می‌توان فرض کرد که در یگ‌الگوی بین نسلی با دو گروه اجتماعی با مشخصه رجحان زمانی متفاوت بانک می‌تواند از منابع سپرده‌ای افراد با رجحان کمتر برای وامدهی به گروه اجتماعی با رجحان بالاتر استفاده نماید.

از جاری و مدتدار در بانک نیز با نماد (D_G) تعریف گردد مجموع پول نقدی که در X بانک موجود خواهد بود عبارت است از:

$$aD_G = \mu D_T + \delta D_D \quad (5)$$

بانک با نگهداری این سهم از موجودی کل سپرده‌های بانکی (شامل دیداری و غیردیداری) به صورت نقد این امکان را به تمام سپرده‌گذاران می‌دهد تا هر زمان که بخواهند بتوانند مانده وجوده تودیع شده نزد بانک را برداشت نمایند. در مقابل، چنانچه a ضریبی از کل پول کاغذی جامعه باشد که به صورت حساب جاری نزد بانک نگهداری می‌شود و b ضریبی از پول کاغذی تعریف شود که به صورت حساب مدت‌دار نگهداری می‌شود و همچنین e ضریبی از پول کاغذی باشد که به صورت نقد در دسترس تمام افراد جامعه است می‌توان نوشت:

$$M = aM + bM + eM \quad (6)$$

به طوری که:

$$a + b + e = 1 \quad 0 < a, b, e < 1 \quad (7)$$

می‌توان نوشت:

$$\frac{aM}{D_D} = \delta, \frac{bM}{D_T} = \mu \quad (8)$$

$$D_D = \frac{aM}{\delta}, D_T = \frac{bM}{\mu} \quad (9)$$

با استفاده از روابط فوق می‌توان نتیجه گرفت:

$$M_B = D_D + D_T - \delta D_D - \mu D_T \quad M_B = \left(\frac{aM}{\delta} + \frac{bM}{\mu} - aM - bM \right) \quad (10)$$

$$M_B = M \left(\frac{a}{\delta} + \frac{b}{\mu} - a - b \right) \quad (11)$$

رابطه (۱۱) نشان می‌دهد که با توجه به سهم سپرده جاری و مدت‌دار از کل حجم پول کاغذی و نیز سهمی که بانک از کل سپرده‌های جاری و مدت‌دار برای مواجهه با برداشت مشتریان نزد خود نگهداری می‌نماید میزان خلق پول بانکی به صورت فزاینده‌ای افزایش می‌یابد. در مسیر خلق پول، بانک این تصور را در اذهان ایجاد نموده است که تمام وجهه نقدی سپرده گذاری شده نزد بانک موجود است، در حالی که امر به ازاء هر واحد پولی سپرده گذاری شده در بانک با ادعاهای زیادی از سوی سپرده گذاران مواجه است که این ادعاهای تیجه مکانیزم خلق پولی بانک و جعل امر ذهنی قرارداد شده از پول کاغذی بدون پشتوانه انتشار یافته توسط دولت است که برای سپرده گذاران از سوی نهاد بانک ایجاد شده است. بانک سعی دارد پول اعتباری را به منزله پول کاغذی قرارداد شده در جامعه رواج دهد، در حالی که سازوکار خلق پول اعتباری ارائه شده در روابط (۸) تا (۱۱) نشان می‌دهد عملکرد بانک نوعی جعل واقعیت محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، بانک مبادرت به جعل یک ماهیت ذهنی قرارداد شده از پول کاغذی نزد آحاد جامعه می‌کند. در راستای تداوم این عملکرد نظام بانکی و پرهیز از ایجاد مشکل در ارائه یک مفهوم جعلی کارکرد مطلوب نزد بانک این است که:

۱. سهم مبادلات از طریق حساب جاری و پول بانکی افزایش یابد و جامعه به تدبیح وجهه نقدی خود در حساب‌های دیداری و غیردیداری مبادرت نماید.

۲. مانده وجهه نقد سپرده گذاران نزد بانک به حداقل ممکن کاهش یابد.

با فرض اینکه بانک خلق پول حاصل از رفتار ذخیره جزئی خود را تنها به اعطاء وام اختصاص دهد و فرض شود سپرده قانونی در غیاب مقام ناظر بانکی وجود ندارد رفتار وام‌دهی بانک با استفاده از رابطه (۵) به صورت زیر خواهد بود:

$$L_{t,t+1} = M_B = D_G - \alpha D_G = M \left[\frac{a}{\delta} + \frac{b}{\mu} - a - b \right] \quad (12)$$

رابطه (۱۲) روشن می‌سازد که بانک در چارچوب اصل ذخیره جزئی از طریق جعل یک ماهیت ذهنی قرارداد شده از پول کاغذی با تغییر در نسبت وجهه نقد سپرده گذاری شده به کل سپرده‌های تدبیح سپرده گذاران از اقدام خود عایدی سرشاری را کسب خواهد نمود. عایدی بانک شامل بهره وام پرداختی $L_B(i_L + i_D)$ و هزینه‌های بانک شامل پرداخت بابت بهره حاصل از سپرده‌های مدت‌دار سپرده گذاران D_T ، هزینه (درآمد) استقرارض (فرض دهی) از (به) سایر بانک‌ها به دلیل کسری (مازاد) وجهه $M(a+b)$ و نیز پرداخت بابت خدمات رایگانی است که بانک برای تمام مشتریان انجام می‌دهد $H(D_D, D_T, L_B)$. به طور مشخص در این الگو تابع سود بانک عبارت است از:

$$\pi_B = (1 + i_L) \cdot L_{B,t,t+1} \pm i_M (a + b) M_{t,t+1} - i_D \cdot D_{T,t,t+1} - H_{t,t+1}(D_D, D_T, L_B) \quad (13)$$

با بهره‌گیری از رابطه (۱۱) عبارتند از:

$$\begin{aligned} \pi_B = & (1 + i_L) \cdot \left(\frac{a}{\delta} + \frac{b}{\mu} - a - b \right) M_{t,t+1} \pm i_M (a + b) M_{t,t+1} \\ & - i_D \cdot \frac{b M_{t,t+1}}{\mu} - H_{t,t+1}(D_D, D_T, L_B) \end{aligned} \quad (14)$$

با نگاه به نوع تابع سود در رابطه (۱۴) مشاهده می‌شود که بانک برای سودآوری در فعالیت خود یا افزایش سود کافی است تا:

- نسبت وجوده نقد سپرده‌ای به کل سپرده‌های تودیع شده را کاهش دهد. سهم بالاتری از پول بانکی (در مقابل پول کاغذی) را در مبادلات اقتصادی به جریان اندازد و جامعه را برای تسویه مبادلات جاری اقتصادی از ناحیه بانک تشویق نماید. در عین حال، هزینه‌های نقل و انتقالات بانکی را برای سهولت و استفاده بیشتر از پول بانکی به جای پول کاغذی تقبل نماید.

- اعتماد عمومی از وجود مانده وجوده تودیع شده آنان نزد بانک را برای عدم برداشت از حساب جلب نماید.

- در صورت مواجهه با تقاضای روزافزون برداشت وجوده تودیعی (اعم از سپرده‌های جاری و مدت‌دار) برای تشویق و تهییج سپرده‌گذاران نرخ سود سپرده‌های مدت‌دار (و در صورت لزوم حتی حساب‌های دیداری) را افزایش (پیشنهاد) نماید.

کارکرد این اقدام بانک در مسیر خلق اعتبار و تداوم جعل ماهیت ذهنی پول سه اشکال جدی بر عملکرد اقتصاد وارد می‌سازد.

کارکرد بانکداری ذخیره جزئی به منزله جعل ذهنی از ناحیه وامدهی، تعادل پولی را از طریق سازوکار خلق اعتبار و محو پول رسمی ایجاد برهم می‌زند.

- تفاوت‌های سرسیدی ناشی از بدھی بانک در مسیر خلق اعتبار به شکل‌گیری و ثبت نرخ بهره بانکی و تحصیص غیربهینه منجر می‌شود.

- کارکرد سازوکار خلق اعتبار به عدم تعادل در پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌انجامد و بستر رکود مداوم پولی را فراهم می‌سازد.

۳. دیدگاه برخی از اندیشمندان غرب در خصوص تصورات عینی، ذهنی و جعلی از پول
 نقش مهم پول در ایجاد مبادلات جدید و تسهیل مبادلات جاری همواره این عامل را در کانون توجه اندیشمندان اقتصادی قرار داده است. معیار ارزش بودن، وسیله مبادله بودن و ذخیره ارزش بودن پول در کنار قدرت خرید پولی و نقش آن بر متغیرهای حقیقی اقتصاد از جمله چالش‌هایی است که در حوزه مکاتب فکری می‌توان پاسخ‌های متفاوتی را دریافت نمود. کارکرد پول با منشأ حقیقی شکل کاغذی پول با منشأ قرارداد اجتماعی، پول به عنوان اعتبار محض و تبعات هر یک از این مصادیق رهیافت‌های متفاوتی از نقش پول در اقتصاد را نشان می‌دهد که در این بخش به آن می‌بردازیم.

۱-۳. کارل مارکس^۱

در اندیشه فکری مارکس پول ارتباطی تنگاتنگ با رابطه اجتماعی افراد دارد و پیوند اجتماعی در ارزش مبادله‌ای پول نمایان می‌گردد. محصول ناشی از فعالیت کاری انسان به مثابه یک ماهیت حقیقی می‌باشد از طریق ارزش مبادله‌ای که پول نماینده آن است ایجاد شود. ارزش مبادله‌ای در نگاه مارکس یک مفهوم ذهنی است که افراد آن را قرارداد کرده‌اند. حتی اگر ماهیت آن عینی باشد، چراکه معیاری است تا کالاهای متفاوت از حیث جنس، کیفیت و کمیت را با یکدیگر همسنگ کند.

کالاهای از این جهت که یکی نیستند و با نظام‌های گوناگون از نیاز انسانی همخوانی ندارند مبادله می‌گردد. کالا به منزله ارزش یک مسئله عام است و به لحاظ کالای واقعی یک امر خاص. همچنین، به مثابه یک ارزش همواره مبادله‌پذیر است. در این راستا، ماهیت پول آن است تا دوشادوش کالاهای خاص به نقش مهم خود در جدا کردن ارزش مبادله‌ای کالا از خود آن کالا اقدام نماید. در اینجا است که پول در عمل مبادله به عنوان واسطه مبادله به صورت کالا-پول-کالا عمل می‌کند، به گونه‌ای که اقتصاد از یک واقعیت ذهنی به عنوان ارزش به وجود یک ماهیت حقیقی بازگشت کند.

در توسعه این مفهوم ذهنی پول در حکم وثیقه‌ای است که مبادله می‌شود تا کالایی دریافت نماید. این نقش وثیقه اجتماعی پول از خاصیت نمادین پول نشأت می‌گیرد که شکل تغییریافته‌ای از روابط اجتماعی افراد است (مارکس، ۱۸۵۸). در بستر این نگرش، گرددش پولی و کالایی معکوس یکدیگر عمل می‌کنند، اما این گرددش معکوس پول و کالا بازگشته است به گرددش واقعی موجودی کالاهای این به معنای گذار از یک انتراع ذهنی برای تسهیل مبادله به یک ماهیت واقعی به مفهوم کالای حقیقی است. در این گرددش پولی، پول تنها نقش ابزاری را ایفا می‌کند که وظیفه آن بازگشت از یک کانون

1. Karle Marx

واحد (کالایی) به یک نقطه بازگشت کالایی است. چنانچه ماهیت مبادله از کالا-پول-کالا تبدیل به پول-کالا-پول شود این امر تکراری پایان ناپذیر دارد و فراگردی نامتناهی خواهد داشت. در این بستر، کالا با کالا مبادله نمی‌شود بلکه این پول است که مبادله می‌شود، بنابراین میان پول و کالا تمایزات شکل می‌گیرد و در این میان پول تنها وسیله مبادله نخواهد بود، بنابراین این انتزاع ذهنی در باب پول در این چارچوب باعث تضاد خواهد شد که این تضاد به گستگی ذات عمل مبادله می‌انجامد (مارکس، ۱۸۵۸).

در این زمینه مارکس می‌نویسد: در انتزاع اعتبار بانکی به عنوان یک جعل ذهنی (در برابر واقعیت ذهنی پول) که هیچ چیزی وجود ندارد جزء اعتبار، حرکت از یک کانون واحد به نقاط مختلف پیرامونی است که لزوماً بازگشت آن از نقاط پیرامونی به کانون واحد نیست و این آغاز خروج از مدار طبیعی و خودانگیخته گردش کالایی و پول است.

در نگرش مارکس، وجود تضاد در رابطه مبادله به دلیل ماهیت عینی است که دو کالای مبادله شده و پول به عنوان ماهیت ذهنی و قراردادی دارند. کالا دارای جنبه‌ای طبیعی است و شکل وجودی آن به طور ایده‌آل حاوی ارزش مبادله‌ای است، در حالی که پول نمادی از پیوند با شکل طبیعی یک فرآورده است. این دو وجود عینی و ذهنی می‌باشد در این تفاوت به تضاد برستند که از سازوکار تر و آتبی تر شرایطی فراهم می‌شود که دیگر امکان مبادله و تبدیل پذیری به پول یا کالای دیگر وجود نداشته باشد. در اقتصاد چنانچه پول از یک کانون واحد به نقاط مختلف پیرامونی حرکت نماید الزاماً بازگشته از این نقاط به کانون واحد وجود ندارد. این مسئله از دید مارکس آغاز شکل‌گیری تضاد در اقتصاد پولی و اضمحلال نظام اقتصادی است. در این میان، تمایز و اختلاف میان کالا و پول به عنوان مصادیق تصور عینی خدادادی و تصور ماهیت ذهنی عنوان عامل تضاد در اقتصاد پولی به گستاخ در ذات عمل مبادله می‌انجامد و جبر تاریخی ضمن انهدام این سازوکار اقتصاد را به ساختار جدیدی رهمنمون خواهد ساخت.

آنچه این تضاد را محتمل تر می‌کند عبور از یک مقوله عینی به یک انتزاع ذهنی در مسیر فراگرد گذار از یک ارتکاز ذهنی به موضوعی جملی است که از پول به شکل اعتبار بانکی نشأت می‌گیرد. این کارکرد در مسیر گردش پول - کالا - پول اضمحلال اقتصاد پولی و در پی آن فروپاشی نظام سرمایه‌داری را تسریع می‌بخشد.

مارکس در اندیشه خود به درستی ماهیت ذهنی و جعلی پول را تشخیص می‌دهد. چنانچه پول فلزی از پول کاغذی فاصله گیرد ماهیت ذهنی و تصور مترتب بر آن می‌توانند به بحران اقتصادی و اجتماعی منجر گردد و این امر در شرایط جعل اعتبار به طریق اولی این مسئله را تسریع می‌بخشد. نکته اینجاست

که تضاد میان ماهیت انتزاع شده از پول به شکل اسکناس کاغذی یا اعتبار خلق شده بانکی از طریق یک جبر تاریخی نظام اجتماعی را تغییر می‌دهد و به بیان صریح مارکس:

قانون تملک به ضد خود تبدیل می‌شود. از آنجا که ارزش مبادله‌ای در راستای ارضای نیازهای متقابل انسانی، مالکیت کار یا محصول کار منتقل می‌شود در تحولات بعدی ارزش مبادله‌ای وضع به صورت دیگری در می‌آید و سرانجام به جایی می‌رسیم که مالکیت خصوصی بر فرآورده کار خود شخص در حکم جدایی کار و مالکیت است، به طوری که کار به معنای ایجاد مالکیت برای غیر و مالکیت به معنای تسلط بر کار غیر خواهد بود.

هرچند پول به عنوان اشتغالی از دلالت تقسیم کار انسانی در اندیشه مارکس مورد پذیرش قرار می‌گیرد، اما نتیجه عملی این اندیشه حذف رابطه کار و مالکیت ناشی از کار است. چنانچه از تعریف قیمت به عنوان ارزش مبادله‌ای به صورت پول همان قیمت است پذیرفته شود انتقال مالکیت از طریق ارزش مبادله‌ای و قیمت پول تعیین می‌شود، در حالی که مارکس در انتهای بحث خود و در سیر تکاملی پول ارزش مالکیت را حذف شده می‌داند. ملاک مصرف و اراضی نیازها بر پایه چه معیاری قرار می‌گیرد. چنانچه معیاری جدا از انتقال مالکیت بر مبنای ارزش پولی و قیمت باشد، نقش انتقالی قیمت برای تخصیص عوامل تولید و تصمیم برای تولید نادیده گرفته می‌شود (فیلیپو، ۱۹۹۸).

۲-۲. اقتصاد پولی متعارف

نظریه مقداری پول به عنوان اصلی‌ترین دیدگاه پولی کلاسیکی به بیان علت نوسان عمومی قیمت‌ها می‌پردازد. فرض وجود اشتغال کامل عاملی است تا پول به عنوان یک ماهیت ذهنی تأثیری بر متغیرهای حقیقی نداشته باشد و نتواند به خودی خود محرك فعالیت‌های اقتصادی باشد.

بر این اساس، دیوید ریکاردو¹ بیان می‌دارد که در بازارهای آزاد رقابتی که ارزش کالاها با توجه به هزینه‌های واقعی تولید می‌شوند و تمام تیروهای انسانی فعال هستند پول نمی‌تواند چنین قاعده کلی را بر هم ریخته و آن را از تعادل خارج کند.

در نظریه مقداری پول جمع انباست پولی معادل ارزش کل کالاهای خریداری شده است، در نتیجه بازگشت از یک تصور ذهنی به یک ماهیت حقیقی و عینی در نگرش کلاسیکی پول یک اصل است. در این بستر پول نقشی معاملاتی دارد و در تعادل‌های والراسی و مارشالی تأثیری بر متغیرهای حقیقی اقتصاد نخواهد داشت. از این رو، تعادل عمومی در فضای الگوی ارو و دبرو² هیچگاه با عدم تعادل

1. Ricardo
2. Arrow-Debro

روبرو نخواهیم بود، زیرا پول نقش واسطه مبادله کالاهای مازاد را خواهد داشت و در این میان تعادل پس انداز و سرمایه‌گذاری نیز برقرار می‌گردد، بهویژه در بیان مفهوم وظیفه ذخیره ارزش برای پول چون در تعادل والراسی کالاهای در قیمت تعادلی رد و بدل می‌شوند یک الگوی همزمانی است، بنابراین اصولاً پولی برای ذخیره ارزش وجود ندارد تا عدم تعادل پس انداز و سرمایه‌گذاری را سبب شود (داودی و صمصامی، ۱۳۸۸).

در نگرش کیتزر از پول این اصل پذیرفته می‌شود که اقتصاد در اشتغال کامل نیست و پدیده یکاری و رکود اقتصادی برخلاف دیدگاه کلاسیکی اقتصاد سرمایه‌داری را با معضل مواجه نموده است. در اندیشه کیتزر پول بهدلیل داشتن خاصیت نقدشوندگی و موجد خاصیت ذخیره ارزش از سایر کالاهای متمایز می‌شود، بنابراین می‌توان پاداش نقدینگی را بهصورت بهره پولی در کنار مفهوم پول تعریف نمود (کیتزر، ۱۹۳۶).

در واقع، کیتزر نوعی انشقاق از ماهیت ذهنی پول را بهصورت بهره پولی تعریف می‌کند که به عنوان پاداش نقدینگی نیز مفهومی ذهنی دارد و با مفهوم نرخ بهره خودی متفاوت است. در این نوع نگرش کیتزر ضمن پذیرش دیدگاه کلاسیکی بهره پولی که تنها بهصورت رجحان زمانی مطرح می‌شود پاداش نقدینگی را نیز به عنوان انشقاق از مفهوم ذهنی ماهیت پولی در کنار رجحان زمانی حائز اهمیت می‌داند. وی در این مسیر نقش این ماهیت مشتق شده ذهنی را در رکود دائم پولی و عدم اشتغال کامل بسیار مهم می‌داند کیتزر در این زمینه کیتزر می‌نویسد:

پول به منزله نوشیدنی است که دستگاه اقتصادی را به فعالیت و امیدار و برمی‌انگیزد. بین فنجان و لب چه بسا احتمال لغزش و سقوط باشد ...

نظریه مقدار بهینه پول میلتون فریدمن (۱۹۶۹) با تمرکز بر پول به عنوان ماهیتی ذهنی یکی از اصلی‌ترین ره‌آوردها برای اقتصاد پولی است. پیامد این تحلیل یعنی قاعده فریدمن یا قاعده شیکاگو در بردارنده یک نرخ تورم منفی است که نرخ بهره اسمی در اقتصاد را صفر نماید. صفر شدن نرخ بهره اسمی لازمه تخصیص کارای منابع خواهد بود. به نظر می‌رسد که نظریه مقداری پول به ویژگی‌های مجزای یک اقتصاد پولی اشراف دارد تا جایی که پول را به عنوان یک کالای مجانی^۱ در مدل والراسی در نظر می‌گیرد که همچون هوا در یک محیط پاک است. با این وجود، گرچه کسی هرگز به فکر فروختن هوانمی‌افتد، اما همه با ولع یک اسکناس را مدامی که قادر به خرید کالایی کمیاب باشد، می‌پذیرند. در واقع، تنها مطلوبیت نهایی موجودی پول به عنوان ارزش ذهنی ناشی از نگهداری پول می‌تواند به صفر برسد، اما مطلوبیت نهایی جریان پول نمی‌تواند صفر شود. در معنای دوم، اشباع شدن از مانده‌های پولی

1. Free Good

متضمن اشباع شدن از کالاهاست. در نتیجه، در دیدگاه فریدمن با تعریف پول به عنوان یک مفهوم ذهنی و قراردادی که مشاً خلق آن دولت است می‌توان مقدار بهینه حجم پول را در اقتصاد مشخص نمود. در نگاه فریدمن (۱۹۶۹) بر عکس دیدگاه کیتیزی در مورد نقش رجحان نقدینگی به عنوان پاداش و بهره پولی، تعریف پول به مثابه ماهیتی ذهنی اشتراقی از بهره پولی نیست، بنابراین برای تأمین شرایط بهینه پرتویی^۱ نرخ بهره می‌بایست صفر باشد.

در الگوهای نوکیتیزی چسبندگی قیمت‌ها به دلیل قراردادهای کاری یا انتظارات ناقص در رفتار در فضای اطلاعات ناقص نقش یک سیاست پولی را به عنوان ابزاری قوی در بستر انتزاع ناقص ذهنی از پول در متغیرهای حقیقتی مؤثر می‌کند. فرض عدم وجود طیف یکسان پس انداز کنندگان و سرمایه‌گذاران با فرض ارتکاز ذهنی از پول با انگیزه‌های احتیاطی و سوداگرانه برای نگاهداشت ذخیره پولی در کار انگیزه احتیاطی نقش مهم دخالت دولت را در ایجاد تعادل سرمایه‌گذاری و پس انداز بیش از پیش اهمیت می‌بخشد، به گونه‌ای که بدون ورود مالیات و بودجه دولتی در ساز و کار تعادل امکان تعادل در شرایطی که انگیزه سوداگری مسیر کالا – پول کالا را به مسیر پول – کالا – پول تغییر می‌دهد وجود ندارد. بنابراین، چنین فضایی از نقش پولی در اقتصاد به غیر از وجود توهمند پولی، اطلاعات ناقص یا چسبندگی قیمت‌ها نمی‌تواند به رشد اقتصادی یا تعادل بینجامد.

در نگرش پولی نوکلاسیکی انتظارات عقلایی عاملی است که برای بازگشت از یک انتزاع ذهنی به یک ماهیت عینی و مشخص از پول به آن تکیه می‌شود. هر چند نیازهای معاملاتی و کسب ثروت مردم را به سمت نگهداری پول سوق می‌دهد، اما در نگهداری پول طیف وسیعی از انواع دارایی‌ها و بازدهی آنها در مقایسه با پول تصمیم نهایی و کاملاً عقلایی را در میزان نگاهداشت پول کاغذی مشخص خواهد کرد. در این مسیر، پیش‌بینی تغییر در سطح عمومی قیمت یا تشدید انتظارات تورمی سبب می‌شود تا افراد از نگهداری پول نقدی که نتوانند آن را به ماهیت حقیقی کالاها بازگشت دهند، خودداری نمایند.

رویکرد انتظارات عقلایی به عنوان کلاسیک‌های جدید دارای مبانی مشخصی از نگرش به ماهیت ذهنی پول است که در راستای نگرش کلاسیکی و تکمیل آن قرار می‌گیرد. رویکرد لوکاس (۱۹۷۵)، سارجنت (۱۹۷۶) و لوکاس و سارجنت (۱۹۷۸) شش رهیافت از انتزاع ذهنی پول و اعتبار در بستر انتظارات عقلایی ارائه می‌شود (نیاھانز، ۱۹۸۷).

1. Pareto Optimality

- رفتار اقتصادی از طریق بهینه‌سازی منحصر به فرد راهنمایی می‌شود.
- تأثیر پول بر هزینه‌ها با استفاده از تئوری مقداری پول توضیح داده می‌شود.
- اگر نرخ بهره به عنوان یک وسیله سیاستگذاری استفاده شود هزینه‌ها نامشخص هستند.
- بازارها شفافند.
- پول خنثی است.

- یک سیاست عرضه پولی به استثنای تأثیر بر قیمت‌ها بر بخش حقیقی اقتصاد تأثیری ندارد. همچنین، درآمد واقعی عاملی مهم در تعیین میزان پولی است که نگهداری می‌شود و تقاضای پول تابعی از قدرت خرید آن است. از این رو، میزان پولی تقاضا می‌شود که بتواند ارزش مبادله‌ای مشخص را برای خرید کالاها با مصادیق عینی ایجاد نماید. نتیجه به دست آمده آنچه موجبات رشد اقتصادی را از طریق یک مکانیزم انتزاعی ذهنی (به صورت پول کاغذی) فراهم می‌آورد، عدم قدرت پیش‌بینی در فضای زمانی کوتاه‌مدت توسط جامعه عقلایی است، بنابراین در بلندمدت که پیش‌بینی‌ها کامل و خطاهای تصحیح می‌شود نمی‌توان سیاست پولی را به صورت ابزاری برای خنثی کردن نیروهایی که در کوتاه‌مدت موجب بی‌ثباتی اقتصادی شده‌اند یا برای اهداف سیاستی مشخص نظیر رشد اقتصادی و اشتغال بکار برد.

در نگرش متعارف اقتصاد پولی، پول طیف متفاوتی از کارکردها را در اقتصاد ایفا می‌کند. اینکه چگونه می‌توان از ناحیه انتشار پول بر متغیرهای حقیقی تأثیرگذار بود به نفس واکنش ذهنی تمام افراد در تصور صحیح یک سیاست اقتصادی یا پردازش عقلایی و منطقی آن باز می‌گردد. چنانچه پردازش اطلاعات توسط ذهن در بستر عقلاییت اقتصادی انجام پذیرد امکان تأثیرگذاری بر مفاهیم حقیقی و مشترک فراهم است و چنانچه اطلاعات به صورتی ناقص به ذهن عاقل وارد شود یا عقل و تصور انسانی به درستی ماهیت ذهنی پول را انتزاع نکند انتشار پول با ماهیت ذهنی در متغیرهای حقیقی باعث تغییر خواهد شد. تأکید بر منطق عقلایی یا توهمندی پولی یا تأکید بر اطلاعات کامل یا ناقص در بازگشت از پول با مفهوم ذهنی آن به ماهیت حقیقی کالایی خلی ایجاد نمی‌کند، بلکه آنچه تحت تأثیر قرار می‌گیرد آثار توزیع درآمدی متأثر از درک صحیح و یکسان از مفهوم ذهنی پول است.

۳-۳. اقتصاد مکتب اتریش و مکانیزم اعتبار محض (ویکسل، فون مایزر و هایک)
در ادبیات مکتب اتریش که ویکسل سردمدار آن است پول فلزی و کاغذی به عنوان دو شکل از تصویر عینی و ذهنی از کارکرد پولی هیچ جایگاهی ندارد و مبادلات اقتصادی از طریق ساز و کار اعتبار محض بانکی صورت می‌پذیرد. اهمیت رفاهی این سیستم از طریق ثروت مجازی برقرار می‌گردد. این

استدلال وجود دارد که در پرتو انتشار پول اعتباری محض رقابت بر سر انتشار پول خصوصی توسط نظام بانکی و در بستر رقابت کاملاً آزاد یک پول با ثبات ظهور کند. در این شیوه عملکرد بانک در خلق پول اعتباری کاملاً آزاد است و عملاً ما به ازاء بیرونی از پول حتی به صورت یک قرارداد رسمی اجتماعی نیز وجود ندارد هر چه هست اعتبار است (ویکسل، ۱۹۰۷).

رویکرد اعتباری محض برخلاف نگرش کلاسیکی که مکانیزم تعادل را در پرتو تعادل کالایی تعریف می‌کند و پول را تنها حجایی می‌داند که تنها متغیرهای اسمی را تحت تأثیر قرار دهد، شرط ایجاد تعادل کالایی را وجود تعادل در بازار پول می‌داند. بر این اساس، تعادل نرخ بهره پولی و نرخ بهره طبیعی لازمه تعادل کالایی است.

تصویر ذهنی اعتبار محض هر چند از ناحیه افراد با تصور کارکرد پول فلزی و کاغذی و ماهیت آنها همراه است، اما از ناحیه انتشاردهنده اعتبار این مسئله یک فرایند کاملاً انتزاعی است که تماماً بر پایه جعل ذهنی (به مفهوم نبود هیچ گونه پول با ماهیت کالایی یا پول کاغذی بدون پشتوانه) پایه گذاری شده است (بلوفیور، ۱۹۹۴). به عبارت دیگر، در فراگرد تصور ذهنی از پول کاغذی سابقه‌ای از پول فلزی نزد اذهان جامعه فراهم است، اما این تصور در مکانیزم اعتباری محض در چارچوب ماهیت ذاتی پول (به عنوان پول کالایی) و در ویژگی قراردادی آن (به صورت پول کاغذی) برای پذیرش آن نزد جامعه القا می‌شود، اما عملکرد بانک در مسیر خلق اعتبار و با توجه به نوع القای ذهنی به جامعه نوعی جعل واقعیت عینی یا ذهنی از پول است. در این راستا، آنچه پیونددهنده این مفهوم اعتباری به موضوع عینی است ارتباط نرخ بهره پولی با نرخ بهره طبیعی است و شرط تعادل اقتصادی از طریق تساوی میان دو نرخ بهره پولی و طبیعی برقرار می‌گردد (ویکسل، ۱۹۰۷).

گردش کالایی از مسیر گردش اعتبار و انباشت یا خالی شدن حساب‌های اعتباری بانکی ایجاد می‌شود. نظام اعتباری بر مبنای یک نهاد اعتباری واحد است که با شمار کافی از خطوط فرعی گستردگی شده است. در این زمینه ویکسل بیان می‌کند که در یک اقتصاد اعتباری محض نیز پرداخت‌ها از طریق حساب بانکی صورت پذیرد. بانک قادر است تا در هر لحظه و در هر میزان از وام را هر نرخی از بهره حتی بسیار کم اعطاء نماید.

پذیرش اصل بازگشت موضوعات اعتباری و ذهنی به مبانی حقیقی و عینی در اینجا نیز کارکرد خود را از طریق شکل‌گیری تورم خودافرا آشکار می‌کند و رو در روی مکانیزم اعتباری محض قرار می‌گیرد. تعادل طبیعی اقتصاد در چارچوب انتزاع اعتباری از نتیجه پسانداز اجرایی تأمین و تضمین

می شود. در این راستا، بانک به دلیل فرایند خودافزای تورم و بازگشت از اعتبار به ماهیت طبیعی کالایی اعتبار نامحدود خود را از طریق پس انداز اجباری در کنار پس انداز اختیاری مدیریت می کند.

فون مایزر به عنوان دیگر اندیشمند مکانیزم اعتباری محض دستیابی به تعادل نرخ بهره طبیعی و نرخ پولی را بدون آشفتگی در مکانیزم تولید نمی پذیرد. در این نگرش، اعتبار نامحدود خلق شده بانک نسبت قیمت‌ها را تغییر می‌دهد، فرایند تولید را طولانی می‌کند، تعادل بهره‌ای جدید با افزایش قیمت کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی برقرار می‌گردد و پس انداز اجباری در بخش مصرف و فرسودگی تکنولوژیک در حوزه تولید راه را برای توسعه اعتبار و خلق اعتبار جدید فراهم می‌سازد.

در نگرش مایزر فرض تنها وجود یک بانک واحد در نظام اعتباری محض امکان نامحدود خلق اعتبار را فراهم می‌کند و وجود بانک‌های متعدد در فضای رقبایی جهت خلق اعتبار می‌تواند ارزش اعتباری بانک را کاهش دهد مگر اینکه اهداف بانک‌ها در خلق اعتبار در یک راستا قرار داشته باشند (مایزر، ۱۹۷۱).

مایزر برای ترسیم ساختاری از اعتبار محض نامحدود ساختاری هرمی را معرفی می‌کند که در رأس آن یک بانک انحصاری انتشاردهنده اعتبار می‌تواند تضمین کننده مکانیزم اعتباردهی بانک‌های دیگر باشد. بانک‌های زیرمجموعه نیز در فضایی رقبایی و در محیطی محدودتر امکان خلق اعتبار و تسویه بدهی‌های خود را خواهند داشت، بنابراین سیستم بانکی می‌تواند بدون کمترین مشکل با پیشیانی و حمایت ساختار هرمی ساختار اعتباری خود را گسترش دهد. در این خصوص مایزر می‌نویسد:

بانک‌ها حکومت مستقل و خودمختاری دارند که به آنها قدرت ابتکار عمل می‌دهد تا با استفاده از کشش بی‌نهایت عرضه اعتبار به رشد تقاضای اعتبار اقدام نمایند... هر فردی که بخواهد قرض بگیرد مطابق قاعده نرخ بهره رفتار خواهد کرد مشروط بر اینکه طیف مختلفی از انواع ریسک را محاسبه کرده باشد.

هایک دیگر اندیشمند اتریشی است که در تکمیل دیدگاه اعتباری محض به چرایی تغییرات در قیمت‌های نسبی و تخصیص کالایی در بستر خلق اعتبار می‌پردازد. تفسیر هایک از ادوار تجاری سرآغازی است برای بیان آثار شکل‌گیری یک تصور ذهنی و جعلی از ماهیت پولی و اعتباری که تعادل‌های جدید قیمتی و نرخ بهره را ایجاد می‌کند. مطابق دیدگاه هایک در حالت کلی محدودیتی برای فعالیت بانک‌ها در گسترش اعتبار و خلق پول بانکی وجود ندارد، اما یک شرط اساسی وجود دارد که می‌بایست توسط بانک‌ها رعایت شود و آن نسبت پرداخت‌های نقدی و پرداخت از طریق چک است در طیف اظهارات هایک (۱۹۳۳) می‌توان کشف نمود که استدلال آشکاری وجود دارد که بانک‌ها نمی‌توانند به طور نامحدود اعتبارات خلق شده خود را گسترش و توسعه دهند (هایک، ۱۹۳۵). وی

تأکید دارد که منابع اقتصادی در بستر خلق اعتبار به تخصیص‌هایی هدایت می‌شوند که در حالت عادی بدان ورود نمی‌یافتد. در این راستا، تورم غیرقابل کنترل و تخصیص‌های ناکارا الزام می‌کند تا بانک مرکزی به نظارت بر اعتبارات خلق شده بانکی جدی باشد. در این رابطه، شرط اساسی برای جلوگیری از بحران اقتصادی با منشأ اعتباری محض در جلوگیری از رشد عرضه پول بیش از تقاضای پول است. این محدودیت در رشد عرضه پول این تضمین را می‌دهد که رشد قیمت‌ها همواره از رشد عرضه اسمی پول بیشتر بوده و تقاضا برای مانده حقیقی همواره وجود داشته باشد و تقاضا برای عرضه اعتبار بانکی تضمین شود.

دیدگاه اعتباری محض به منزله پذیرش یک ارتکاز جعلی مبتنی بر بدھی است که در نه جهان واقعی و نه در تصور ذهنی وجود خارجی ندارد. در این راستا، کارکرد پس انداز اجباری و پس انداز اختیاری به عنوان ویژگی شاخص اعتبار بر پایه بدھی در کنار نقش تورم خودگرا عوامل مهم در کارکرد بانکداری محسوب می‌شوند. انتقال ثروت و تغییر در ترکیب توزیع درآمد از طریق تورم شتابان- در بستر خلق اعتبار بدون پشتونه- که با هدف تأمین پول ارزان گسترش سرمایه‌گذاری انجام می‌گیرد ضمن ناعادلانه بودن عالم کاذبی را نیز به اقتصاد جهت تخصیص منابع ارائه می‌دهد. چنانچه ترجیحات مصرفی با انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و منافع بانکی همسو نباشد این موضوع می‌تواند بحران‌زا باشد، چراکه سازوکار بازگشته از اعتبار با منشأ هیچ به ماهیت‌های حقیقی اقتصاد در مواجهه با تعهدات بانکی و خطر ناشی از کاهش خوش‌نامی بانک اقتصاد را با معضلات جدی مواجه می‌سازد.

همچنین، پایه‌گذاری اقتصاد بر پایه‌های اعتبار بانکی که در آن اعتبار بر اساس بدھی است، ایجاب می‌کند که پذیرش تحولات تکنیکی و نوآوری در تولید که به کاهش در سطح عمومی قیمت‌ها می‌انجامد چنانچه با منافع بانک و نظام بانکداری در فرآگرد بروز پس انداز اجباری در تضاد باشد هیچگاه به منصه ظهور نرسد. در نتیجه، در بستر تحول و ابداع تکنیکی که کاهش تورم می‌تواند نتیجه آن باشد منافع بانک (با الزام وجود پس انداز اجباری برای تداوم این سیستم) با منافع جمعی در تقابل و تضاد قرار خواهد گرفت.

به عبارت دیگر، بانک می‌بایست در کنار عرضه اعتبار تضمین کافی برای تقاضای اعتبار داشته باشد. این تضمین از طریق کاهش مانده حقیقی پول بهدلیل تورم ایجاد می‌شود. چنانچه ماهیت عملکردی بخش تولید در نگاه کلان منجر به کاهش دائمی سطح قیمت‌ها بینجامد بانک با کاهش تقاضا برای اعتبار مواجه خواهد شد. این موضوع از طریق طولانی کردن فرایند تولید، ناکارایی در حوزه تولید بهدلیل اهمیت محوری نرخ بهره پولی در تنظیم رفتار بخش حقیقی اقتصادی تضمین کافی را به بانک

برای تداوم فعالیت خواهد داد، اما این تضمین با عدم تعادل‌ها در بستر بخش حقیقی اقتصاد فراهم می‌گردد (مجاهدی و همکاران، ۱۳۹۰).

۴-۲. نظریات بازگشت به الگوهای ذهنی ماهیت پولی

در طیف فکری نظریه‌پردازی ماهیت پول و طبقه‌بندی آن در ماهیت‌های عینی تا نگرش جعلی اعتبار، بازگشت به مفهوم ذهنی از ماهیت پولی در حوزه فکری اندیشمندانی نظریه‌فیشر (۱۹۳۵)، سیمونز (۱۹۳۶) و موریس‌اله (۱۹۴۷) و (۱۹۹۳) تبلور یافته است. آثار بحران‌زای نگرش جعلی از پول و تأثیرات نامطلوبی که بر توزیع درآمد، تفاوت در علایق سرمایه‌گذاری و ترجیحات مصرفی و شکل‌گیری ادوار تجاری دارد زمینه را برای هجوم بانکی^۱، سقوط اعتباری^۲ و وحشت بانکی^۳ فراهم نمود.

- شیوه مکانیزم اعتباری که در آن ذهن انسان در خالی از تصورات عینی و حتی تصویر ذهنی از ماهیت پول است اندیشمندان مذکور را به ارائه الگویی جهت مقابله با این جعل ذهنی انداخت. بر این مبنای، فیشر (۱۹۳۳) عامل مؤثر در ایجاد چرخه‌های تجاری را در شرایط رکودی دهه ۳۰ در بیماری بدھی^۴ و بیماری دلار^۵ می‌داند. در این راستا، حلقه اتصال این رخداد از این مراحل پیروی می‌کند:

- بدھی نقدي و فروش از سر ناچاری

- کسادی و بحران در پول با منشاً چک و سپرده‌های جاری که توسط بانک تضمین می‌شود

- کاهش در سطح قیمت

- کاهش بزرگتر و بیشتر در ارزش خالص فعالیت‌های تجاری

- کاهش در سود

- کاهش سطح تولید، تجارت و نیروی کار

- بدیمنی و کاهش اعتماد

- کنز پول و کاهش آن با وجود سرعت گردش بیشتر

- نایابی‌داری پیچیده و حاد در نرخ بهره (کاهش در نرخ بهره طبیعی و افزایش در نرخ بهره واقعی) در این میان، زنجیره رخدادهای مطرح شده ارتباطات درونی نیز میان آنها وجود دارد که ممکن است دلایل گوناگونی داشته باشد، اما اصل بدھی و رکود در تمام این حلقه‌ها مشاهده می‌شود.

-
1. Bank Run
 2. Credit Crunch
 3. Banking Panic
 4. Debt Disease
 5. Dollar- Disease

(فیلیپس، ۱۹۹۴). در این رابطه، نقش جعل اعتبار در کسادی و کاهش اعتماد عمومی، کنز پول فلزی یا پول کاغذی و به جریان انداختن پول اعتباری نامطمئن برای دوری از ریسک و خطر عدم مقبولیت آن کاملاً مشهود است.

ایده اصلی در نگرش فیشر برای حل مسئله بازگشت به تجربه تاریخی قبل از پول کاغذی به عنوان مبنای مناسب با ارزش ذاتی پول فلزی است، به گونه‌ای که نگاه ذهنی به ماهیت پول را به مفهوم عینی آن ارتباط می‌دهد. در این راستا، وی به دنبال انباشتی از پول توسط جامعه است که افزایش قدرت خرید، افزایش استخدام نیروی کار و افزایش سود را ایجاد نماید. بر این مبنای، وی معتقد است ذخیره ۱۰۰ درصدی پول توسط نظام بانکی به جای خلق اعتبار سریع‌ترین و آسان‌ترین راه برای اصلاح اقتصادی است. در این زمینه وی بیان می‌کند بدون ثبات پولی مکانیزم سود خصوصی تنها چند روز بیشتر دوام نخواهد داشت و بهترین روش مطمئن بر خلاف آنچه به انحراف و انحلال نظام سرمایه‌داری می‌انجامد ساز و کار ذخیره ۱۰۰ درصدی پول است که توسط بانک‌ها نگهداری می‌شود. در واقع، شیوه فیشر در کاهش تبعات انتشار پول به جای بازگشت پول به ماهیت حقیقی بازگشت مفهوم پول اعتباری به ماهیت ذهنی پولی است که دولت منتشر می‌کند.

هنری سیمونز (۱۹۳۵) به عنوان دیگر اندیشمند در این حوزه فکری نقش محرب جعل اعتبار را در فروپاشی مکانیزم پولی پررنگ می‌بیند. وی بیان می‌کند زمانی که بحران گسترش می‌یابد و زمانی که بازدهی شروع به کاهش یافتن می‌کند هرج و مرج بیشتر می‌شود. هر بانکی به دنبال قراردادهای جدید برای وام‌دهی است اما هیچ تقاضایی برای اعتبارات بانکی نیست.

وی معتقد است از گذرگاه سرعت تغییر در مقدار پول اعتماد تجاری از میان خواهد رفت و فروپاشی اقتصاد از طریق کاهش اعتماد عمومی خود را نشان خواهد داد که عالیم آن در رشد تقاضای نقدینه‌خواهی و تقاضای نقدینگی جامعه به صورت تقاضا برای پول نقد (و نه تقاضای اعتبار) جلوه‌گر می‌شود. این تقاضاها نمی‌تواند برآورده شود چراکه تلاش‌ها برای برآوردن آن مستلزم فشار برای افزایش نقدینگی است که شامل وجود نقد بانک‌ها نیز می‌شود، بنابراین متوقف کردن فروپاشی نظام اعتباری در شرایطی که اعتماد عمومی کاهش یافته است ممکن نخواهد بود. در این رابطه مطابق اندیشه سیمونز پول می‌بایست همسو با انعطاف‌پذیری قیمت‌ها در مسیر افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی نقش ایفا نماید و می‌بایست موتور محرکه اقتصاد باشد تا مبادلات را تسهیل نماید. این هدف در شرایطی که خلق اعتبار به ناپایداری ذاتی در ساختار مالی و بانکی منجر می‌شود حاصل نخواهد شد، بنابراین شرط لازم برای پایداری در یک اقتصاد بهبود ساختار مالی آن است. در عین حال، سیمونز اعتقاد دارد که امید

کمی وجود دارد تا سیاست پولی و مالی تنها تحت نمایندگی دولت باشد. اگر مقامات پولی دچار اشتباه شوند و به انتشار پول و نیز انتشار شبه پول تحت سایر عناوین (ابداعی) مبادرت ورزند تلاش جهت هدایت و راهنمایی در مسیری که بیمه‌ها و هراس‌ها در خصوص پول کاغذی (بهمنزله ماهیتی ذهنی) و هزینه‌های بالای نرخ بهره وجود دارد، اشتباهات مالی و ناظمینانی به نحو تحمل ناپذیری ایجاد می‌شود. سیمونز به نقش ناپایدار پول کاغذی (بهمتابه یک مفهوم قراردادی و ذهنی) توجه و تأکید می‌نماید. به عقیده وی چنانچه مقامات پولی در عرضه پول کاغذی (یا پول پر قدرت) دچار اشتباه شوند می‌توان آثار مترتب بر خلق اعتبار بانکی را در این سیاست نیز مشاهده کرد، بنابراین هدایت یک سیاست پولی می‌بایست بر ثبات ارزش پولی استوار باشد (سیمونز، ۱۹۴۵).

موریس اله (۱۹۸۷) دیگر اندیشمندی است که در حوزه پولی به ماهیت جعلی اعتبار اشاره صریح می‌کند. وی معتقد است:

اعجازی که توسط اعتبار ایجاد می‌شود اساساً با شکفتی که از کار جاعلین می‌توان انتظار داشت قابل مقایسه است. تنها تفاوت در سودی است که از ناحیه قرض دادن اسکناس یا اعتبار جعل شده برای کسب بازدهی یا بهره پولی ایجاد می‌شود. هر دو طیف انگیزه‌های یکسانی دارند، اما تنها سود آنها با هم متفاوت است. شش ایراد اساسی که موریس آله بر این مکانیزم جعلی اعتبار وارد می‌داند عبارتند از:

- خلق و محو پول از طریق بانک‌های خصوصی
- حساسیت مکانیزم اعتبار به نوسان‌های کوتاه‌مدت اقتصادی
- شکل گیری بنیان ناپایداری از طریق ساز و کار قرض گرفتن در دوره زمانی کوتاه و وامدهی در بلندمدت
- از بین رفن توزیع عادلانه درآمد از ناحیه ادعاهای باطل و نادرست
- عدم امکان کنترل در خصوص مکانیزم اعتبار
- عدم وجود نظارت و کنترل مؤثر بر عرضه کل پول

در این رابطه، موریس آله اصول اساسی در هدایت اقتصاد را بدون جعل اعتبار در خلق پول توسط دولت می‌داند، به گونه‌ای که هیچ پولی نباید خارج از چارچوب پایه پولی منتشر یا خلق شود. همچنین، هیچ فرد یا نهادی نباید امتیاز سودآوری در خلق اعتبار را داشته باشد. از نظر وی الزام مؤسسات و نهادهای اعتباری به قرض گیری بلندمدت و قرض دهی کوتاه‌مدت برای جلوگیری از بدھی بیشتر از دارایی در شرایط پیش از سرسید وام و سپرده بسیار ضروری است. الگوی پیشنهادی موریس آله این امکان را می‌دهد تا شفافیت اطلاعاتی ایجاد و از خلق اعتبار و تقسیم سود و درآمدهای به دست آمده به ذینفعان بدون هویت جلوگیری گردد.

ایرادی که موریس الله به الگوی پیشنهادی فیشر و سیمونز در خصوص ذخیره ۱۰۰ درصدی پول می‌گیرد؛ در نظر گرفتن سایر دارایی‌هایی است که می‌تواند به عنوان جانشین پول اعم از استاد خزانه و اوراق بهادر دولتی توسط بانک‌ها به عنوان ذخیره پولی مورد استفاده قرار گیرد. بر اساس دیدگاه وی چنین گسترشی در مفهوم ذخیره ۱۰۰ درصدی پول باعث شده است تا نتایج موردنظر از این روش حاصل نشود (فیلیپس، ۱۹۹۴).

در دیدگاه ذخیره ۱۰۰ درصدی پول به عنوان پشتوانه برای کارکرد بانک‌ها در خلق اعتبار در نقطه مقابل دیدگاه اعتباری محض قرار می‌گیرد تا آثار سوء ناشی از خلق نامحدود اعتبار و فروپاشی مکانیزم پایه‌گذاری شده بر اساس انتزاع جعلی را از میان بردارد.

این الگو اقتباسی از ساز و کار پول کاغذی با پشتوانه ۱۰۰ درصدی ارزش ذاتی مسکوکات طلا و نقره است که تماماً جایگاه ماهیت عینی پول برای پشتوانه ماهیت ذهنی و قراردادی بکار گرفته شده است، اما در این جایگاه چون ماهیت ذهنی تصویر مشترک و یکسانی را (در مقابل ارزش ذاتی مسکوکات) در ذهن برقرار نمی‌کند نیاز به ساز و کار دولتی برای تنظیم امور مالی و بانکی ضروری است. در عین حال، این امکان وجود دارد که ورود دولت برای انتشار انحصاری پول کاغذی فی نفسه مشکلاتی را از ناحیه عملکرد دولت ایجاد نماید. از این رو دیدگاه‌های متفاوتی میان اندیشمندان طرفدار ذخیره ۱۰۰ درصدی پول وجود دارد.

این تعریف متفاوت از ذخیره ۱۰۰ درصدی پول در تحلیل سیمونز و در انتقاد موریس آله به خوبی قابل مشاهده است. در دیدگاه موریس الله در تحلیل موضوع جعل پول و انتزاع ناشی از آن با دیدگاه‌های فیشر و سیمونز ارائه راهکارهایی نظیر دریافت هزینه کارمزد، سرمایه‌گذاری مستقیم، قرض دهی کوتاه‌مدت و قرض گیری بلندمدت پیشنهادی است که در بستر عدم دخالت دولت قابلیت اجرا دارد هر چند اصل نگرش ذخیره ۱۰۰ درصدی پول مدنظر وی نیز قرار می‌گیرد.

۴. رویکرد اسلامی در رابطه با ماهیت پول

در نگرش اسلامی تمرکز بر اهمیت و چیستی پول بیش از اهمیت کارکرد پول مورد توجه قرار گرفته است. این وجه تمایز میان ماهیت و کارکرد پولی با هدف بررسی جنبه‌های فقهی پول است که در استنتاج‌های فقهی بکار می‌رود، بنابراین آنچه برای فقهیان اسلامی اهمیت دارد شناخت ماهیت غیرپولی اشیاء است که نقش پول را ایفا می‌کنند. این نگاه در مقابل دیدگاه اقتصادی است که از پول شناخت چیستی چندان لزومی ندارد و تنها وظیفه و کارکرد آن مدنظر است. حاصل چنین برداشتی از مفهوم

پول دریچه‌ای از احکامی فقهی را می‌گشاید که در حوزه اقتصاد پولی امکان تفسیر نتایج آن وجود دارد. به عنوان مثال، مصادیق رای معاملی در خصوص پول با تکیه بر انتزاع ذهنی، حرمت ربا و جرمان کاهش ارزش پولی، محدودیت‌های شرعی در انتشار پول پرقدرت، خلق اعتبار بانکی توسط بانک‌های تجاری، پولی نمودن کسری بودجه و ضمان دولت در برابر کاهش ارزش پولی از مصادیقی است که در حوزه اندیشه اسلامی دارای پاسخ هستند و در اقتصاد پولی با نگرش اسلامی به عنوان یک پارادایم می‌تواند مبنای نظریه پردازی باشد. این شیوه برخورد با مفهوم پول در عین وجود اشتراکات مفهومی یا مصداقی با دیدگاه اندیشمندان غیراسلامی نوآوری‌هایی را نیز در زمینه پول مطرح می‌کند، به گونه‌ای که این نگرش نتایج حائز اهمیتی را در مقایسه و مقابله با اندیشه‌های رقیب ایجاد می‌نماید.

در نگاه اسلامی تأکید بر نقش بازگشته ماهیت ذهنی و اعتباری به مفهوم حقیقی و عینی در جهان خارج وجود دارد، اما این نقطه اشتراک میان مکاتب اقتصادی و رویکرد اسلامی نتایج یکسانی را ایجاد نمی‌کند. در نگرش اسلامی جهان اعتبار و جهان تکوین دو جهان وجود دارد که با یکدیگر در ارتباط و در تعاملند و اعتبار و مفاهیم اعتباری پرگرفته از مفاهیم تکوینی هستند. از این رو دیدگاه صفت اضافی و عرضی بر پایه صفت ذاتی و جوهری استوار می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۳)، این در اندیشه اسلامی از چند طیف مفهوم پول را از دیگر کارکردهای پولی متمایز می‌کند، به گونه‌ای که چنانچه ماهیت‌های پولی از اعتبار به ذات ارزش تغییر نماید احکام فقهی تغییر خواهد یافت.

به عنوان مثال، تبدیل مسکوک طلا به شمش طلا اتلاف ذکات بر مال را ساقط می‌کند. این به معنای خروج از گردش پولی ارزش اعتباری و در نتیجه کاهش آثار اقتصادی چنین گردش اعتباری است (هاشمی‌شاھرودی، ۱۳۷۴).

عدم جواز استفاده از پول مغشوش و قلب شده و در عین حال جواز پول دارای ناخالصی که آحاد جامعه از ناخالصی آن اطلاع کامل دارند نمونه‌هایی از این رهیافت است. در نمونه اول اصل بر عدم جعل و عدم کم‌فروشی پول در مقابل سایر کالاها قرار دارد. در نمونه دوم تأکید بر اصل اعتماد عمومی، قرارداد اجتماعی پول و اتصف یک صفت ذاتی مشترک در ذهن تمام اجتماع به یک مفهوم انتزاعی است که ماهیت آن را از نمونه اول کاملاً متمایز می‌کند. این شیوه در روش غربی با تمرکز بر کارکرد پول چنین نتایجی حاصل نمی‌شود (یوسفی، ۱۳۷۷). همچنین، پول به معنای انتزاع ذهنی یا اعتبار جعلی در نگرش اسلامی دارای ماهیت مثلی یا قیمتی است که این ماهیت مثلی و قیمتی در قرارداد عرفی در ابتدای انجام مبادله می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در این مسیر تأکید بر ارزش اسمی و واحدهای پولی مکتوب به عنوان ماهیت مثلی یا توجه به قدرت خرید پولی به عنوان ماهیت قیمتی پول در هر قرارداد

نقشه بازگشتی به ذات ماهیت عینی کالایی را مشخص خواهد نمود. از این رو، نوع برخورد حقوقی به پول به عنوان یک دین می‌تواند نوع رفتار اقتصادی مناسب با آن را تغییر دهد.

چنانچه رفتار عرفی از پول انتزاعی ذهنی با اتصاف یک صفت حقیقی و ذاتی به پول باشد، به گونه‌ای که کاغذ بی‌ارزش پولی با واحدهای مکتوب قرار داد شده بر روی آن دقیقاً با ارزش ذاتی مسکوک طلا برابری کند در این شرایط عملکرد دولت یا بانک به عنوان یک تولیدکننده انحصاری از پول ذهنی انتزاعی یا اعتبار جعلی که به کاهش ارزش پولی و دارایی بخشی از جامعه می‌انجامد موجب ضمان دولت یا بانک است، چراکه در نگاه عرف پول انتشاریافته یا اعتبار خلق شده به عنوان یک صفت حقیقی در ذهن جامعه جای گرفته است، بنابراین نمی‌توان با هدف پولی نمودن کسری بودجه یا گسترش منابع مالی بانکی حتی با ساز و کار عقود اسلامی به انتشار پول یا خلق اعتبار اقدام نمود. در مقابل، چنانچه این ویژگی در شرایطی مطرح شود که عرضه و تقاضای بازار ارزش پولی را تغییر دهد (مانند تغییرات ارزش پولی در مقابل ارز) هیچ ضمان و تعهدی وجود ندارد (هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۷۴).

در نتیجه، در نگرش فقهان اسلامی این ماهیت و چیستی پول است که در کانون توجه قرار می‌گیرد و نتایج آن در ارتباط میان انتزاع ذهنی از پول یا ارتکاز اعتباری همواره با ذات و ماهیت عینی پول به دست می‌آید و هیچگاه این ارتباط قطع نمی‌شود.

تأکید بر اعتماد و قرارداد اجتماعی در اتصاف ماهیت ذاتی به معنای انتزاعی و ذهنی پول کاغذی و تعریف مشخص از موضوع مبادله بر اساس ارزش مثلی یا قیمتی، حلقه و اصلی است که میان کارکرد انتزاعی و ذهنی پول را با نقش ذاتی ارزش آن برقرار می‌کند. توجه به ماهیت و چیستی پول دلیل نوع نگاه و تحلیل در نگرش اسلامی است. تفاوت این نگرش عدم توجه صرف به نقش پول و تمرکز بر وظایف آن در کارکرد اقتصادی است، از این رو نگاه اسلامی به ماهیت و مفهوم پول را با رویکرد غرب متمایز می‌کند. وجه دیگر تمایز رویکرد اسلامی و غربی در فلسفه مالکیت نهفته است که تفسیر مباحث اقتصادی در زمینه پول و اعتبار را به عنوان یک انتزاع ذهنی با نگرش متعارف اقتصادی متمایز می‌کند. جدای اینکه مالکیت حقیقی همه چیز از آن پروردگار است مالکیت افراد بر اشیاء دو شکل دارد: مالکیت حقیقی و مالکیت اعتباری (به مفهوم عام آن).

مالکیت حقیقی قائم به ذات است مانند مالکیت انسان بر بدن به عنوان یک موهبت الهی آنچه این مالکیت را از ذات آن جدا می‌سازد مرگ یا حوادث طبیعی است که منجر به قطع عضو شود، اما مالکیت اعتباری فی نفسه قائم به ذات نیست و می‌توان بین مالک و ملک جدایی انداخت. این جدایی

می‌تواند از طریق مرگ، فروش، دزدی یا هبه از میان برود و از ناحیه ارث، خرید یا هدیه اخذ شود (طباطبایی، ۱۳۶۳).

پول به عنوان یک ملک اعتباری (در مقابل قائم به ذات) از ناحیه سپرده‌گذاری نزد بانک هر چند از مالک جدا می‌شود، اما مالکیت آن از میان نمی‌رود بلکه تنها به امامت گذاشته می‌شود. بنابراین بانک نمی‌تواند بدون وکالت پول سپرده‌گذار را تصرف کند و در زمان بازپرداخت پول، وجه سپرده فرد دیگری را تودیع نماید. پول سپرده‌گذار عملاً در چارچوب عقود اسلامی نزد بانک حبس می‌شود. عدم امکان بدھکاری و طلبکاری همزمان برای بانک تجاری و عدم ایجاب تغییر در عملکرد بانک به عنوان یک مؤسسه سرمایه‌گذاری یا مؤسسه‌ای با کارکرد بانکداری مباحثی نظر هجوم بانکی و ورشکستگی بانکی را در پرتو این ساز و کار معنا نمی‌دهد. نکته مهم در حصول چنین نتایجی ایجاد تصویر مشترک ذهنی و انتزاعی از ماهیت پولی با تأکید بر قرارداد اجتماعی و عرفی و بازگشت به مفاهیم عینی بدون ایجاد تغییر در ترکیب توزیع ثروت و درآمد جامعه است. امری که می‌تواند بدون دخالت دولت و نظارت پولی نیز سامان یابد. به عبارت دیگر می‌باشد پول توسط بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذار چه به صورت سپرده قرض‌الحسنه و چه به عنوان مشارکت در سود و زیان حبس شود، به گونه‌ای که پرداخت پول از ناحیه قرض‌دهنده به قرض‌گیرنده به مفهوم کاهش قدرت پولی قرض‌دهنده و انتقال قدرت خرید به قرض‌گیرنده باشد. ضمن اینکه قرارداد قرض در ابتدا به روشنی بر پایه ماهیت پولی قرض و بدون اضافه پولی (بهره پولی) برای طرفین تفهیم شده است. این موضوع برای الگوهای مشارکتی عیناً با توجه به تفاوت‌های میان قراردادهای مشارکت در سود و زیان و شیوه قرض‌الحسنه قابل تسری است. در این راستا، امکان همزمانی بدھکاری و طلبکاری از ناحیه بانک و قطع رابطه میان سپرده‌گذار و بانک و همچنین رابطه میان سرمایه‌پذیر (به عنوان گیرنده وجه برای فعالیت در قالب عقود مشارکتی) و سپرده‌گذار قابل پذیرش نیست، در نتیجه امکان جعل ذهنی منتفی است.

در عین حال توجه بیشتر اندیشمندان اسلامی معطوف حرمت ریا و دوری از بهره در معاملات پولی است. در این میان، هر چند دولت به عنوان متولی انتشار پول رسمی (یا پول به مفهوم قرارداد ذهنی) در خصوص کاهش ارزش پولی ضامن است، از سوی دیگر بانک می‌باشد به عنوان وکیل سپرده‌گذار اصل پول را در سرمایه‌گذاری شریک کند. همچنین، شرط قبض یک راه برای کاهش تأثیر مکانیزم خلق پول بانکی است، اما پرسش اساسی در این موضوع که آیا بانک در چارچوب سپرده‌پذیری می‌تواند به خلق اعتبار مبادرت نموده و در مسیر عقود اسلامی فعالیت کند به صراحت و روشنی دیدگاه‌های غربی در حوزه اندیشه اسلامی تحقیقی اندیشه بدیعی مشاهده نمی‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

انسان در تصور و تحلیل پدیده‌های پیرامون در پی شناخت حقیقت، ماهیت و صورت معقول آنهاست. مشاهده عینی آغاز تصوری است که از شئ در ذهن ایجاد می‌شود. خصوصیت این تصور آن است که در تمام ادراکات بشری به صورت یکسان ارتکاز می‌شود. در واقع، خاصیت موهب خدادادی به عنوان ذخیره کالایی در اختیار بشر این است که تصویری واحد را در ذهن عقلایی ایجاد نماید. در این راستا، پول فلزی با منشأ طبیعی و خدادادی کارکردی خود کار در یک اقتصاد پولی ایجاد می‌کند که دلیل آن وجود ارتکاز یکسان از ماهیت پولی است.

پول به صورت ماهیت ذهنی با فاصله زمانی دورتر با رشد عقلی بشر در استفاده از مفاهیم ذهنی برای مبادله کالایی ابتکاری است که بشر توانسته است در کنار دیگر ماهیت‌های دیگر انتزاعی، ایجاد و در چیدمان تصورات منطقی خود بکار گیرد. زبان، فلسفه و ریاضیات از جمله مباحثی است که انسان عقلایی آن را به عنوان تصویری تماماً ذهنی به دست می‌آورد و بر اساس آن اندیشه‌های ذهنی دیگری را پایه‌گذاری و در پی آن مبنای، مفاهیم دیگری را بسط می‌دهد.

پول بدون پشتونه با ماهیت ذهنی صرف بدليل کارکرد وسیع و همه‌گیر آن در اجتماع این خصوصیت را دارد که در تمام افراد به یک شکل به دست نیاید یا در صورت اتصاف به یک ارزش ذاتی در تمام اذهان به‌واسطه عرضه با کشش و هزینه‌های پایین تولید مورد جعل یا سوءاستفاده قرار گیرد. در عین حال، عبور از مرزهای عینی به ماهیت ذهنی و جعلی یک موضوع در تمام انتزاعها مشترک است و آن الگوپذیری از یک ماهیت عینی در ارتکاز ذهنی یا جعلی است. به عبارت دیگر، در نگاه کلی ذهن انسان هیچگاه توانسته است تا یک ماهیت کاملاً ذهنی را بدون وجود ریشه‌های حقیقی خلق نماید به این معنا که عدم وجود یک سابقه تاریخی نیست، بلکه به معنای عدم توانایی ذاتی ذهن در ارتکاز ماهیت کاملاً ذهنی و جعلی است. این مسئله در مورد پول به عنوان ماهیت ذهنی یا جعلی (با وجود اعتباری بدون پشتونه) چند نتیجه را حاصل می‌کند.

- انسان‌ها در استفاده از پول با منشأ ذهنی و جعلی (و نه مبنای فلزی و کالایی) در تعاملات اجتماعی به یک اندازه از ظرفیت عقلی و هوش اجتماعی برخوردار نیستند، بنابراین تصور پول بدون پشتونه و اتصاف ارزش ذاتی به پول اسمی کاغذی یا اعتبار کاملاً جعلی مستلزم یک قواعد عرفی و قرارداد اجتماعی است تا بتواند یک تصور واحد را در جامعه ایجاد نماید تا بتوان در پرتو آن رفاه جامعه را تضمین کرد.

- پول بدون پشتوانه به عنوان یک پدیده ابتکاری برای سهولت در روابط اقتصادی ویژگی منحصر به فردی دارد که آن را از سایر کالاها مجزا می کند. کشش تولیدی هزینه پایین تولید یک قدرت کاملاً انحصاری را به تولید کننده آن می دهد.
- کانون بازگشتی از پول بدون پشتوانه یا اعتبار محض به ماهیت حقیقی مطابق با اصل پذیرفته شده از عدم ارتکاز ماهیت‌های ذهنی محض بدون الگوگرفتن از ماهیت‌های عینی و حقیقی به مفهوم عدم امکان ایجاد دارایی‌ها با ماهیت کاملاً مجازی برای جذب پول و اعتبار بدون پشتوانه است.
- به عبارت دیگر، نمی‌توان تعادل اقتصادی را بر پایه امور کاملاً مجازی شامل اعتبار محض و موجودی سرمایه کاغذی قرار داد و چنانچه ابتکاراتی نیز وجود داشته باشد بسیار لرزان است. از این رو در سازوکار اعتباری با منشأ خلق اعتبار از هیچ، اقتصاد را با عدم تعادل و نوسان‌های دوره‌ای مواجه می‌سازد. نگاه‌های متفاوت اندیشه‌های اسلامی و غیراسلامی به این موضوع راهکارهای مختلفی را ارائه می‌کند. در نگرش مارکس این مسئله به تضاد و فروپاشی در نظام سرمایه‌داری می‌انجامد و نظامی بدون کارکرد قیمتی و پولی شکل می‌گیرد. در بستر اقتصاد پولی متعارف عقلانیت و پدیده اطلاعات شرایط تعادل را برقرار می‌سازد. در نگرش موافقان نظام اعتباری محض این مهم از طریق تورم خودافزا و شتابان و نیز پسانداز اجرایی و تغییر در توزیع درآمد در فضای تعادل بهره پولی و بهره طبیعی برقرار می‌شود. در نگاه اصلاح طلبان و بازگشت کنندگان به نظام ذخیره ۱۰۰ درصدی پول کاملاً دولتی با جلوگیری از فراگرد پول فلزی در پرتو اعمال نظارت مشروع و قانونی دولت این مکانیزم به تعادل باز می‌گردد. نگاه اندیشمندان اسلامی به این موضوع با تأکید بر ماهیت و چیستی پول به جای کارکرد پولی استوار می‌شود. در این راستا نظام مالکیت، عدم انقطاع رابطه پسانداز و سرمایه‌گذاری، تعریف منحصر به فرد رابطه بانک با سپرده‌گذار و وام‌گیرنده و نیز کارکرد نظام بانکی در کنار عواملی نظری ضمان دولت و بانک در کاهش ارزش پول در بستر افزایش خلق پول و اعتبار نقشی مهم در ارتباط ماهیت عینی پول در برابر ارتکاز ذهنی و جعلی از آن ایفا می‌کند. در عین حال، توجه اندیشمندان اسلامی معطوف حرمت ربا در فضای اقتصاد پولی است و در مورد خلق اعتبار بانکی در چارچوب عقود اسلامی توجیهی نشده است و رویکرد اندیشمندان غربی در این خصوص کامل‌تر است.

منابع

- ابراهیمی، حسین (۱۳۷۲)، ری و قرض در اسلام، قم: انتشارات فرانشر.
- ازوجی، علاءالدین، علیرضا فرهادی کیا (۱۳۸۶)، "ارزیابی اثرات سیاست‌های آزادسازی مالی و تغییرات نرخ بهره بانکی بر توسعه بخش مالی اقتصاد ایران"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۴.
- بلانچارد، اولویور جین، استنلی فیشر (۱۳۷۶)، درس‌هایی در اقتصاد کلان، جلد اول، ترجمه ختایی مسعود و تیمور محمدی، تهران: انتشارات سازمان برنامه بودجه.
- تفضلی، فریدون (۱۳۸۷)، اندیشه‌های اقتصادی لودویک فون میزس، تهران: نشر نی.
- تفضلی، فریدون (۱۳۷۲)، تاریخ عقاید اقتصادی، تهران: نشر نی.
- توانیان‌فرد، حسن (۱۳۸۵)، فرنگی تشریحی اقتصاد، تهران: شرکت نشر الکترونیکی اطلاع‌رسانی جهان رایانه.
- توسلی، محمد اسماعیل (۱۳۸۴)، "بررسی و نقد نظریات برخی از اندیشه‌وران اسلامی درباره ماهیت پول"، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۱۹.
- خوانساری، محمد (۱۳۶۳)، منطق صوری، تهران: انتشارات آگاه.
- دانشگاه امام صادق (ع)، معاونت پژوهشی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی (۱۳۸۸)، بحران مالی سال ۲۰۰۸؛ ریشه‌ها، پیامدها و راهکارها، تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- داودی، پرویز و حسین صمدمصی (۱۳۸۸)، اقتصاد پول و بانکداری، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- داودی، پرویز و محمدجواد محقق (۱۳۸۷)، "بانکداری محدود"، جستارهای اقتصادی دو فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سال پنجم، شماره ۱۰.
- درخشنان، مسعود (۱۳۸۷)، ماهیت و علل بحران مالی ۲۰۰۸ و تأثیر آن بر اقتصاد ایران، تهران: مؤسسه تدبیر اقتصاد.
- دلای اصفهانی، رحیم، واعظ برزانی، محمد و رضا رفیعی‌دهکردی (۱۳۸۷)، "تأثیر واسطه‌های مالی بر رشد اقتصادی ایران"، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، بهار، شماره ۲۸ (دیزه اقتصاد).
- دلای اصفهانی، رحیم، واعظ برزانی، محمد و محمدسعید قیاسوند (۱۳۸۶)، "کاربرد تئوری مقدار بهینه پول در ایران"، مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، زمستان.
- رضایی‌میرقائد، محسن (۱۳۷۱)، تئوری ارزش و قیمت، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ریمون، بارتلو (۱۳۸۷)، اندیشه‌های سیاسی و اقتصادی هایک، ترجمه فریدون تفضلی، تهران: نشر نی.
- شهیدصدر، محمد باقر (۱۳۶۰)، بانک اسلامی، ترجمه خنجی، قم: انتشارات الفتاح.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳)، تفسیرالمیزان، جلد اول، ترجمه سید محمد باقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبعی، سید‌کمیل و لیلا توکی (۱۳۸۹)، "ارزیابی اثر آزادسازی مالی بر نوسان‌های نرخ ارز کشورهای در حال توسعه"، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۹۳.

- عیوضلو، حسین و حسین میثمی (۱۳۸۷)، "بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف"، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، شماره ۳۱.
- غنى فزاد اهرى، موسى (۱۳۸۱)، درباره هایک، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- کمیجانی، اکبر و همکاران (۱۳۷۴)، سیاست‌های پولی مناسب جهت تثبیت فعالیت‌های اقتصادی، تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- کینز، جان مینارد (۱۳۴۸)، نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول، ترجمه فرهنگ منوچهر، تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی.
- گزل، سیلویو (۱۳۸۳)، نظام اقتصاد طبیعی از راه زمین آزاد و پول آزاد، ترجمه سید ابراهیم بیضایی، تهران: انتشارات سمت.
- لابونل راینر (۱۳۸۴)، تاریخ اندیشه اقتصادی، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی ، تهران: نشر نی.
- مارکس، کارل (۱۳۶۳)، مبانی نقد اقتصاد سیاسی، ترجمه پرهاشم باقر و احمد تدین ، تهران: انتشارات آگه.
- مارکس، کارل (۱۳۸۶)، سرمایه، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: انتشارات آگاه.
- مجاهدی مؤخر، محمدمهدى، دلایل اصفهانی، رحیم، صمدی، سعید و رسول بخشی دستجردی (۱۳۹۰)، "مدلسازی الگوی رفتار بین نسلی از عملکرد بانکداری ذخیره‌ی جزئی با تأکید بر رهیافت موریس آله"، *فصلنامه تحقیقات مدلسازی اقتصادی*، شماره ۵، پايز.
- مطهوری، مرتضی (۱۳۶۸)، نظری به نظام اقتصادی اسلام، قم: انتشارات صدرا.
- موسیان، سیدعباس (۱۳۸۸)، "مهندسی مالی عقود در بانکداری اسلامی"، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، شماره ۳۵.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۴)، اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- واعظ‌بوزانی، محمد، دلایل اصفهانی، رحیم و مهدی درویشی دهکردی، "رقبت‌پذیری بانکداری غیرربوی در عرصه بانکداری رایج بین‌الملل"، *جستارهای اقتصادی دو فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه*، سال پنجم، شماره ۹.
- هاشمی‌شاھروودی، سیدمحمد (۱۳۷۴)، "احکام فقهی کاهش ارزش پول"، *مجله فقه اهل بیت (ع)*، شماره ۲.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۷۷)، ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- Allais, Maurice (1993), "The Monetary Conditions of an Economy of Markets from the Teachings of the Past to the Reforms of Tomorrow", Islamic Research and Training Institute, Jeddah, Saudi Arabia.
- Allais, Maurice (1947), "Economie et Interet", Paris, Librarie Des Publication Officielles.
- Allais, Maurice (1987), "The Credit Mechanism and its Implications", In Arrow and the Foundation of the Theory of Economic Policy, G. R. Feiwel (Ed.) London: Macmillan.
- Bellofiore, R. (1994), "Between Wicksell and Hayek Mises Theory of Money and Credit Revisited", *American Journal of Economics and Sociology*, Vol. 57, No. 4.
- Bewley, T. (1982), "An Integration of Equilibrium Theory and Turnpike Theory", *Journal of Mathematical Economics*, Vol. 10, PP. 233-267.
- Bewley, T. (1983), "A Difficalty with the Optimum Quanttity of Money", *Econometrica*.

- Birchenhall, C. & P. Grout** (1984), "Mathematics for Modern Economics", Simon and Schuster International Group, New York.
- Black, J.** (2002), "Oxford Dictionary of Economics", Oxford University Press.
- Dow, Sheila C.** (1996), "Why the Banking System Should be Regulated", *The Economic Journal*, Vol. 106, PP. 698-707.
- Evan, Kraft & Tomisalv Calac** (2007), "Deposit Interest Rates, Asset Risk and Bank Failure in Croatia", *Journal of Financial Stability*, Vol. 24, PP. 312-336.
- Filippo, Cesarano** (1998), "Providing for the Optimum Quantity of Money", *Jornal of Economic Studies*, Vol. 25, No. 6.
- Fisher, Irving** (1933), "The Debt-Deflation Theory of Great Epressions", *Economietrica*, Vol. 1, PP. 337-57.
- Fisher, Irving** (1934c), "The 100% System and Bank Credit", *American Banker*, (December7), Vol. 2.
- Francesco, Columba** (2009), "Narrow Money and Transaction Technology: New Disaggregated Evidence", *Journal of Economics and Business*, Vol. 61, PP. 312-325.
- Friedman, M.** (1969), *The Optimum Quantity of Money and Other Essays*, Chicago, Aldine.
- Harald, Hagemann** (2001), "Wicksell's New Theory of Crises: An Introduction", *Structural Change and Economic Dynamics*, Vol. 12, Issue 3, PP. 331-334.
- Eatwell, John Murray Milgate & Peter Newman** (1987), "The New Palgrave and Dictionary of Economics", London, The Macmillan Press Ltd.
- Kraken John H. & Neil Wallace** (1978), "Deposit Insurance and Bank Regulation; A Partial – Equilibrium Exposition", *Journal of Business*, Vol. 57, No. 3, Jul, PP. 413-438.
- Kilin, M. & B. Neyapti** (2012), "Bank Regulation and Supervision and its Welfare Implication", *Economic Modeling*, Vol. 29, No. 2, PP. 132-141.
- Kobayakawa, Shuji & Nakamora Hisashi** (2000), "A Theatrical Analysis of Narrow Banking Proposal", *Monetary and Economic Studies*, May, PP. 105-118.
- Luis, A. & Hernandez Aramburo** (1995), "Book Review Wicksell's Monetary Theory", *Journal of Economics and Control*, Vol. 19.
- Niehans, Jurg** (1987), "Classical Monetary Theory New and Old", *Journal of Money, Credit and Banking*, Vol. 19.
- Novales, A., Fernandez, E. & J. Ruiz** (2009), "Economic Growth: Theory and Numerical Solution Methods", Springer-Verlag Berlin Heidelberg.
- Ono, Yoshiyasu** (1994), "Money, Interest and Stagnation-Dynamic Theory and Keynes's Economics", London: Oxford University Press.
- Roger, E. Backhouse** (2000), "Early Histories of Economic Thought (1824-1914)", London: Routledge 11 New Fetter Lane.
- Ronnie, J. Phillips** (1994), "The Chicago Plan and New Deal Banking Reform", NewYork, M. E. Sharping.
- Ronnie, J. Phillips** (1992), "Credit Market and Narrow Banking", *Annual Meeting of the Easern Economics Association*, New York City, March, Working Paper, No. 77.
- Samuelson, Paul A.** (1958), "An Exact Consumption Loan Model of Interest with or without the Social Contrivance of Money", *Journal of Political Economy*, Vol. 66, PP. 1002-1011.
- Simons, Henry** (1935), "Review: Lauchlin Currie, The Supply and Control of Money in the United States", *Journal of Political Economiy*, (August), PP. 555-8.
- Von Hayek, F. A.** (1933), *Monetary Theory and the Trade Cycle*, London: Jonathan Cape.
- Von Hayek, F. A.** (1935), *Prices and Production*, London: Routledge.
- Von Mises, I.** (1943), "Elastic Expectation and the Austrian Theory of the Trade Cycle", *Economica*, PP. 12-33.

Von Mises, L. (1949), *Human Action: A Treatise on Economics*, New Haven, CT: Yale University Press.

Von Mises, L. (1971), *The Theory of Money and Credit*, New Haven, CT: Yale University Press.

Wicksell, K. (1907), "The Influence of the Rate of Interest on Price", *The Economic Journal*, PP. 213–220.

Yan, li (2009), "The Theory of Fiat Money and Private Money as Alternative Media of Exchange", *International Review of Economics and Finance*, Vol. 18, PP. 568-582.

